

یادداشت
 محمد کوکب

پیام عاشورا

قیام خونین اباعبدالله الحسین (ع) را از جوانب و زوایای گوناگون عرفانی، مذهبی، سیاسی، اجتماعی و... می‌توان مورد بررسی قرار داد و البته در هر یک از این ابعاد، شخصیت بی‌نظیر امام همچون ستاره‌ای تابناک، راهنمای شیفتگان حق و حقیقت و جویندگان طریق یکتاپرستی و عبودیت بوده و خواهد بود. امام حسین (ع) نماد عزت و شرف و کرامت انسانی و سمبل ستم‌ستیزی و سازش‌ناپذیری است. او پژواک فریاد همه مظلومان تاریخ در گستره قرون و اعصار است؛ همو که در نیم‌روزی به وسعت تمامت تاریخ، با شهادت افتخارآمیز خود و یاران باوفایش، نقاب تیرنگ و نقای بر چهره سیاه مثلث شوم زر و زور و تزویر درید و اسلام پیامبر (ص) و علی (ع) را در متن هجوم فتنه‌ها و قریب‌ها احیا کرد.

امام حسین (ع) می‌دید که دشمنان قسم‌خورده اسلام، که در روز فتح مکه از بیم جان و نه از سرایمان تسلیم پیامبر رحمت شدند و به خیل آزادشدگان پیوستند، امروز جامه قدس و تقوا بر تن کرده، بر مسندرسول خدا تکیه زده‌اند و عقاید موهوم جاهلی را به جای قرآن و سنت تبلیغ و سلطنت موروثی را به نام خلافت پیغمبر تثبیت می‌کنند.

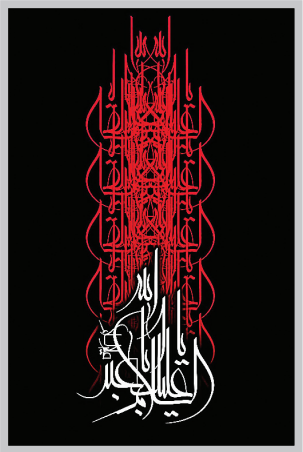
چنین بود که سبط پیامبر به پا خاست و با خون سرخ خویش از قاموس قرآن و ناموس اسلام و عنتر صیانت کرد؛ حریم آزادی را پاس داشت و سایه شوم جور اموی را از سر آرزومندان عدل علوی کوتاه ساخت.

نهضت خونبار کربلا ضامن تداوم انقلاب صدر اسلام و حکومت عدل پیشوای پارسایان علی (ع) است و پیام عاشورا حفظ و اشاعه آزادی خواهی، عدالت‌طلبی، حق جویی و عزت‌آفرینی است؛ پیامی رسا و پرطنین که در هر زمان و زمین مخاطب خود را از میان انسان‌های شریف و حق طلب می‌یابد و آنان را به جهاد و مقاومت برای ترویج ارزش‌های انسانی همچون عدالت و آزادی فرا می‌خواند.

اینک ما عاشقان حسین (ع) نیز در این عصر و زمانه مخاطب پیام انسان‌ساز اویم و حسینی زیستن ایجاب می‌کند که به دور از هرگونه تظاهر و ادعا، در عرصه اقدام و عمل ثابت کنیم در مسیری که او با خون پاکش فراروی ما گشوده، استوار و قاطع گام می‌گذاریم. امروز فوز و رستگاری عظیم در رکاب حسین (ع) جنگیدن، در اتمام و جدیت برای تحقق اهداف بلند او ظهور و تجلی می‌کند، به این معنا که در نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان الگوی حاکمیت حق‌محور و عدالت‌گستر، باید علل و عوامل زمینه‌ساز فقر و فساد و تبعیض و نابرابری ریشه‌کن شوند و بستر مناسب جهت ایجاد فرصت‌های برابر برای رشد استعداها و خلافت‌ها در تمام سطوح و اقشار جامعه فراهم شود.

این برآزنده جامعه مدعی پیروی از راه و مرام حسین (ع) نیست که در آن روابط و مناسبات اقتصادی اجتماعی به گونه‌ای رقم خورد که ویژه‌خواران و مفسدان اقتصادی عرصه تاخت‌وتاز پیدا کنند و در مقابل، کسانی که می‌خواهند بدون زد و بند با پاندهای ثروت و قدرت وارد میدان رقابت سالم و سازنده شوند با موانع جدی روبه‌رو شوند. آری، جامعه حسینی جامعه‌ای است که عدالت، محور و مدار تمام روابط و مناسبات اجتماعی، اقتصادی، و حقوقی آن باشد و از ظلم و تبعیض کمترین اثر و نشانی نباشد، و عاشق راستین امام حسین (ع) نیز عشق و ارادت خود را در حضور پرشور در عرصه‌های ستیز با بی‌عدالتی و استقرار آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی نشان دهد. امید که ایام سوگواری سالار شهیدان، فرصت و مجال دوباره باشد برای تفکر و تأمل در پیام غنی و اهداف مقدس قیام عاشورا و تجدید پیمان با سرور آزادگان حسین بن علی (ع) جهت تداوم راه عزت‌بخش و کرامت‌آفرین آن شهید جاودانه.

دکترای عرفان اسلامی



دل دادن به دریای حق

این روزها که همراه با یاد و خاطره قیام عاشورا می‌گذرانیمشان، ما را به دنیایی دیگر می‌برد. دنیایی که انگار زمینی نیست و چشمان را به اتفاق‌هایی دیگر باز می‌کند. اتفاق‌هایی که در زندگی روزمره نیز با ما همراه هستند. نمونه‌اش مقابله با ظلم و ظالم، نمونه‌اش آزادی و آزادگی، نمونه‌اش دست گذاشتن روی مواردی که باید پای آن‌ها ایستاد و ایستادگی کرد. تا ماه آینده فرصت دارید برای ما از زندگی روزمره‌تان بنویسید، از هر کجا که از زندگی امام حسین (ع) درسی گرفته‌اید و در زندگی خود آن را به کار بسته‌اید. برای ما به آدرس ne.mofid@gmail.com بنویسید تا در صفحه ویژه بارعین آن‌ها را منتشر کنیم.

۶ | کتبی‌نو

۱

راهنمای گردشگری که توریست لهستانی را همراهی می‌کرد، برایش واقعه را توضیح داده بود، موبه‌مو. می‌گفت: «آن قدر هیجان زده شده بود که مدام از من جزئیات را می‌خواست. برایش کتاب‌هایی آوردم و توضیح دادم که چه اتفاقی افتاده و چرا ما تا این اندازه به چنین واقعه‌ای احترام می‌گذاریم.» باورش نمی‌شد، «آنقدر که او را دعوت کردم تا سوغا و عاشورا را در مراسم ندی‌پزان خانوادگی ما بگذراند. برنامهای که هر سال در باغ پدر بزرگ برگزار می‌شود.

تغزیه‌ای در باغ بزرگ، با ناهار ندی و همسایه‌هایی که هر سال محوطه باغ را پر می‌کنند.» در این میان نوشیدنی‌های ندی و غذاهایی که دست‌به‌دست می‌شود برایش عجیب‌تر از هر چیز بود، همان‌طور که موسیقی مخصوص این روزها. می‌گفت: «هر سال برگزار می‌شود؟ دولت برگزار می‌کند؟ چه کسی پول این غذاها را می‌دهد؟ چه کسی از مردم مراقبت می‌کند؟» درحقیقت پاسخی که راهنمای گردشگری داده بود، سوال اولیه‌اش را از میان برد، وقتی شنید «مردم».

دغدغه‌های ده‌روزه

باورش شد که چرا دلمردگی در این روزها جایی ندارد. شاید اگر این توریست اهل لهستان نبود، پایان‌نامه‌ای که یکی از دوستان نوشت و دهه اول محرم را زمان مناسب آشنایی با فرهنگ و آیین‌های غنی عزاداری عنوان کرد، بی‌ربط و اشتباه به نظر برسد.

در آن پایان‌نامه نوشته شده بود که دهه اول محرم موقعیتی فرهنگی است و افرادی که دوست دارند به فرهنگ واقعی کشورهای دیگر دسترسی پیدا کنند، در این مدت می‌توانند

از هر کدام از شهرهای ایران دیدن کنند و به آداب‌ورسوم آن‌ها نگاه بیندازند. همان‌طور که راهنمای گردشگری به توریست لهستانی‌اش گفته بود. از ابیانه و ماسوله، از رشت و بندرعباس، از خرم‌آباد و کاشان. گفته بود که هر کدام مراسم خاصی دارند اما در تمام این برنامه‌ها، غذا و تغزیه پابر جاست. باورش نمی‌شد، باور نمی‌کرد که آدم‌ها می‌توانند تا این اندازه دوستانه در کنار یکدیگر به احترام یک واقعه تاریخی جمع شوند.

۲

فرهنگ جمعی ده‌روزه

ده روز نخست ماه محرم، ده روزی است که فرهنگ جمعی ما از این رو به آن رو می‌شود. اگر تا پیش از این روزها، پارک کردن ماشین در خیابان می‌توانست دعوی‌ای راه بیندازد، در این ده روز احتمال دیدن چنین صحنه‌ای کمتر است. اگر تا پیش از این روزها، پلیس درگیری‌ها و زدوخودرها را مدیریت می‌کرد و امنیت و آرامش مردم را تأمین، در این روزها مردم هستند که مدیریت را عهده‌دار می‌شوند. به رفت‌وآمد ماشین‌ها توجه می‌کنند و مدیریتی برایش در نظر می‌گیرند. حتی دیده شده دسته‌ای که در خیابان در حال حرکت بوده، متوقف شده تا عبور و مرور ماشین‌ها امکان‌پذیر شود. اما فقط این‌ها که نیست، در این ده روز کمتر پیش می‌آید که کسی گرسنه بماند، تشنگی که دیگر محال است. شربت و چای و آب آزاد است و آدم‌ها می‌توانند هر اندازه که دلشان می‌خواهد خودشان را سیراب کنند.

برگردیم به آن توریست اهل لهستان، به توریستی که باورش نمی‌شد لیوان‌های یک‌بار مصرف با نوشیدنی‌های رنگارنگ اینطور دست‌به‌دست می‌شود. چطور می‌توان برایش توضیح داد که آدم‌ها در این روزها به خودشان و دیگران نوشیدنی تعارف می‌کنند، همان‌طور که در روزهای دیگر سال، چطور می‌توان به او توضیح داد که ما یک سال تمام، هر وقت کسی یک لیوان آب به دوستان می‌دهد، وحشت و ظلمی که به امام حسین (ع) رفت را برای خودمان تکرار می‌کنیم و یاد و خاطره آن روز در ذهنمان تکرار می‌شود. چطور می‌توانیم توضیح دهیم که در تمام سال صدای این واقعه در گوش ما طنین می‌اندازد و به همین خاطر است که در دهه اول محرم، بیشتر از آنکه دلمردگی به سرانجام یابد، ادای احترام به یکی از امامانمان است. توریست لهستانی گفته بود: «همه‌تان سیاه می‌پوشید؟ شهر را سیاه‌پوش می‌کنید؟» و تا وقتی به چشم ندیده بود که چه غوغایی برپا می‌شود، باورش نشده بود که این سیاه‌پوشی از جنس دلمردگی نیست. از جنس ادای احترام است به خاطره‌ای که در حافظه تاریخی ما ثبت شده و ما را آدم‌هایی بهتر می‌کند، آدم‌هایی که نه ظلم را تاب می‌آورند و نه حاضرند ظلم‌پذیر شوند.

برای مبارزه در چنین فضایی، یادمان می‌آید که باید رخت واقعیت بر تن کنیم و چشم به دنبال واقعیت بگردانیم. بدانیم و بخوانیم و ببینیم و در این بین دست از تلاش برنداریم. یادمان می‌آید که تاریخ برایمان درس‌های فراوان دارد و ما به گوشه‌ای می‌کنند که برای خواسته‌های برحقمان چطور از جان‌ودل مایه بگذاریم. یادمان می‌آید که ظلم‌پذیری در خون و گوشت ما نیست. توریست لهستانی پرسیده بود: «شما برای مبارزه سیاه می‌پوشید؟» پاسخ شنیده بود که «ما برای یادآوری سیاه می‌پوشیم.»

رو به سوی آزادی

دلمردگی با تلاش برای رسیدن به آزادی و زیر بار ظلم نرفتن زمین تا آسمان تفاوت دارد. نمی‌توان بی‌انگیزه بود و برای آزادی تمرین کرد. نمی‌توان بی‌خیال بود و مبارزه با ظلم را در دستور کار قرار داد. نمی‌توان روایت آن واقعه تلخ را شنید و از کنارش با دلمردگی گذشت. نمی‌توان هدف را دید اما برایش کاری انجام نداد، دست‌روی دست گذاشت به این امید که خودش جلوی راه ما قرار بگیرد. روایت هر ساله واقعه‌ای که امام حسین (ع) و یارانش از سر گذراندند و بازمانده خانوادهاش که ما را از این ظلم آگاه کردند، یادمان می‌دهد که برای رسیدن به آزادی و آزادی، دلمردگی انتخاب شایسته‌ای نیست.

فراموشی جایز نیست

سخت است که حتی زرتشتیان ایران هم به دهه اول محرم و ماه‌های عزاداری احترام می‌گذارند. گفتن این حقیقت که زرتشتیان مراسم شاد خود را در این ماه‌ها برگزار نمی‌کنند و برخی از آن‌ها در این روزها مراسم ویژه‌ای دارند. توضیح این حقیقت که اگر زرتشتیان را در این روزها با لباس سفید دیدید، بدانید که به دلیل احترام گذاشتن به چنین روزی است. راهنمای گردشگری برایش جمله‌هایی از صحبت‌های یکی از زرتشتیان کرمان را خوانده بود: «ما زرتشتیان امام حسین را داماد ایرانی‌های ما دانیم و به داشتن داماد شجاعی چون امام حسین (ع) افتخار می‌کنیم.» «ما با خواندن دعا و طلب ادامه راه آزادگان دنیا، مراسم ندی خود را برگزار

نگار مفید
 روزنامه نگار

شهر سیاه‌پوش است. به هر طرف که نگاه می‌کنی پرچم سیاهی به دیوار آویخته شده و مردم با لباس‌های سیاه در شهر رفت‌وآمد می‌کنند. صدای طبل از هر طرف به گوش می‌رسد و فضای عزاداری روی شهر سایه انداخته است. برای ما که عادت کرده‌ایم به سیاه‌پوشی هر ساله و حتی کمک کردن به فضا، چندان عجیب نیست. حتی سوالی که اینجا پرسیده‌ایم هم چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. منطقی نیست که در روزهایی که ظلم و آزادگی مدام و مدام در یک جمله تکرار می‌شوند از دلمردگی صحبت کنیم. این سوال، سوال یک توریست لهستانی است.

ده روز نخست ماه محرم، ده روزی است که فرهنگ جمعی ما از این رو به آن رو می‌شود. اگر تا پیش از این روزها، پارک کردن ماشین در خیابان می‌توانست دعوی‌ای راه بیندازد، در این ده روز احتمال دین چنین صحنه‌ای کمتر است

دهیم. نه توان مبارزه داشته باشیم و نه جرئتش را. باری به هر جهت زمان را بگذرانیم و ندانیم شادمانی را کجای زندگی‌مان پیدا کنیم. دلمردگی یعنی در شهر بچرخیم و صدای قدم‌هایمان را بشنویم. دلمردگی یعنی سیاه‌پوشی چون رنگ‌های دیگر را نمی‌شناسی و نمی‌بینی. اما در این شهر که سیاه‌پوش می‌شود این روزها، هیچ کدام از این قاعده‌ها و قوانین صدق نمی‌کند. ما رنگ‌های دیگر را می‌شناسیم، می‌دانیم که آبی و سبز و زرد هم رنگ‌های طبیعت هستند اما دست به انتخاب می‌زنیم. بگذارید دل به دل آن توریست لهستانی بدهیم که باورش نمی‌شد در چه فضایی نفس می‌کشد. چه اتفاقی می‌افتد که شهر عزاداری می‌شود بی‌آنکه قلب‌هایمان تیره و کدر شود؟ چه اتفاقی می‌افتد که دلمرده نمی‌شویم.

۴



یکشنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۵
 شماره هفتاد و چهار

A T I Y E H N O

۳